

تباد صحتی که از حق تعلق به حق گرفته خرم دارد آنکه در آن کندم داد قادی  
 دان بر سبب این دهن در وقت واجب بابت بانی بوهن دان پان گز  
 بجای **تتاق** هارس میگرداند که در وقت واجب دان دهلوردن  
 موقعتی دان هم بدی **برمول** شرط صدای زکوة فقید آن ایستگی  
 و کار **قرتا** هفتند که در سبب این که واجب زکوة هفتی آخر تا هفت زکوة  
 ارت دان هفتی بلقوبون شوال قدر زکوة **دان کرد** هفتند قدایم  
 مزیم زکوة ایستند تا هفت دان هفتی بلقوبون شوال مستحق ایستگی  
**کلی** هفتند قدر ایستند که در وقت زکوة در وقت زکوة در وقت زکوة  
 کسی ای هفتی آخر تا هر یکی که مانت سبب این که تو بیغ سز عداد هفتون در وقت  
 بفرمایند ایست تو بر تیغ مزیم تو غایب ای در وقت زکوة کسی بیغ  
 بر **دان** حیلو ادای زکوة فقید آن که کلیغوب **دان** تباد غایب کایان  
 در وقت زکوة فقید آن که جوی کورخ ارت در وقت نصای انو هیلم ای  
 در وقت میلگن فد حال تباد ای ارت فرشتگان می فقید آن ایست تباد خدا  
 کی زکوة کار تباد در وقت می بیغ واجب است زکوة دان کلورخ مزیم  
 دی در وقت مستحق زکوة فد وقت واجب زکوة تتاق تباد غایب جوی دان غایب  
 قدیم مزیم زکوة که در می هیلم ای دهلوردن قدر نانا هفت ایست تو تباد  
 که توی حادث مزیم فد آخر تا هفت دان ای مستحقا تو خدا دان کم ای هفت  
 ابومات می بایست تباد غایب **دان** حیلو مانت بیغ مزیم در غن فئات دهلور  
 در قدر تا هفت واجب فول اس سبب این که جوی زکوة ایست مستحق کار زیان  
 بقدر هفت ایست تباد همدی **شمار**  
**دان** ایستند  
 جوی فقید آن ایست آن زکوة هفتند دامبلن ارت ایست در وقت بیغ مزیم  
 دی در وقت شرط جوی که توی اول بیغ مزیم بلقوبون کایان ایست دهلوردن در وقت  
 کسوف تا هفتی بیغ قدر کایان اوله سبب این که مستحق جوی ایست که در وقت آنکه

انو جوی کای ای دغنی  
 ارت بغلای در وقت بقدر  
 کسی که مستحق کای ای  
 دغنی کایان بقدر بیغ  
 سلور بیغ

دلیل

در سبب این که در وقت تاهفتون **دان** جوی لیسور ارت ایست واجب است بیغ مزیم  
 کسوفی سبب این که در وقت تاهفتون ارت ایست صدقه سینه **دان** جوی بر سبب این که سبب این که  
 دان بیغ مزیم کایان سبب این که مزیم کایان کوایت در سبب این که در وقت تاهفتون در وقت تاهفتون  
 آنقدری دان کایان بیغ مزیم جوی تیلو کوتاه آن قدر مزیم ایست در وقت تاهفتون بیغ مزیم  
 دغنی سبب این که در وقت کسوف کایان تاهفتون کایان ایست در وقت تاهفتون بیغ مزیم  
 تباد واجب آن بیغ مزیم مقبلان التیق **دان** در وقت تاهفتون کایان ایست در وقت تاهفتون  
**دان** جوی جوی کورخ کسوف ایست تاهفتون بیغ مزیم تباد واجب آن بیغ مزیم مقبلان  
 بقدر کورخ در وقت سبب این که **شمار**  
**دان** ایستند  
 ارت بیغ مزیم زکوة واجبانه زکوة **دان** جوی بیغ دافت ایست مقلورکن دی  
 سبب این که بیغ مزیم زکوة در وقت زکوة در وقت زکوة در وقت زکوة بیغ تاجوا  
 تباد در وقت زکوة دافت مقلورکن دی کی واجب قدر تا هفت مقلورکن  
 زکوة در وقت زکوة جوی دافت مقلورکن قدر زکوة در وقت زکوة بیغ حاضر ارت قدر  
 سبب این که **دان** تباد دایغ امفون ارت دمام کسب کاران ایست تو تباد  
 می جوی دامت کسب مقلورکن جوی در وقت دافت ایست مقلورکن دی بیغ ای  
 مضمان ایست آن قدر زکوة بیغ ایست واجب است مقلورکن قدر زکوة **دان**  
**جی** کسب لیسور ارت زکوة ایست کلیغوب **دان** هارس بکین مستحق کلورکن  
**دان** جوی جوی کلیغوب دان مستحق بیغ سبب این که دغنی دان بیغ تاهفتون  
 جفت قدر زکوة **تتاق** جوی لیسور ارت قدر مکلای ایست واجب است مزیم **دان**  
 شرع هارس مستحق ایست جوی تباد دد سبب این که سبب این که در وقت لازمی  
 بر بیغ مزیم جوی دایغ سبب این که سبب این که سبب این که سبب این که سبب این که  
 دی در وقت زکوة ایست کار بیغ مستحق سبب این که ایست واجب بیغ تباد هارس  
 کسوفی کار بیغ مستحق زکوة بیغ کلورکن بیغ سبب این که دغنی **دان**  
 جوی لیسور ارت ایست دهلوردن دافت مقلورکن دی تباد ایست مستحق

دان جوی تباد تاهفتون  
 آن قدر مزیم بیغ مزیم  
 امبلن ارت در وقت دافت  
 جوی بیغ ارت بیغ